

قرآن چگونه گردآوری شد

(قسمت چهارم)

در قسمت قبلی به این موضوع اشاره کردم که اختلاف بین قرآن‌ها باعث درگیرشدن بین مسلمانان می شد و اما اکنون به برخی از این درگیری ها اشاره می کنم :

یزید نخعی می‌گوید: «در زمان ولایت ولید بن عقبه که از جانب عثمان والی کوفه بود به مسجد کوفه رفتم. در آن جا گروهی جمع بودند. در آن وقت مسجد گماشته‌ای نداشت و کسی فریاد بر آورد: آنان که پیرو قرانت ابو موسی اشعری هستند به زاویه نزدیک باب کنده و آنان که پیرو قرانت ابن مسعودند به زاویه نزدیک خانه عبد الله بیابند. دو گروه درباره آیه‌ای از سوره بقره اختلاف داشتند. یکی می‌گفت:

« و اتموا الحج و العمرة للبيت » و دیگری می‌گفت: و اتموا الحج و العمرة لله (یوسف ۳۲: ۱۲) و بین آنها اختلاف و درگیری بود .

ابن اشته از انس بن مالك روایت کرده است که مردم در زمان عثمان در کوفه نسبت به قرآن اختلاف داشتند. معلمی قرآن را طبق قرانت یکی از صاحبان مصحف‌ها تعلیم می‌کرد و معلمی دیگر طبق قرانت دیگر و این به اختلاف بین جوانان کشیده می‌شد. این اختلافات به معلمان می‌رسید و هر يك از قرانت دیگری را غلط می‌شمرد. (الاتقان، ج ۱، ص ۵۹. مصاحف سجستانی، ص ۲۱)

از محمد ابن سیرین نقل شده است که برخی مسلمانان قرآن می خوانند و عده دیگر قرآن آنها را مردود می شمارند (طبقات ابن سعد، ج ۳، ص ۶۲. مصاحف سجستانی، ص ۲۵) و این موضوع باعث درگیری بین آنها می شده است .

از بکیر اشج نقل شده است که در عراق هیچ کس قران دیگری را قبول ندارد و هر گاه کسی ایه را بخواند دیگری می گوید که آن را قبول ندارد (دقت کنید چه جوی در آن زمان رد مورد قرآن حاکم بوده است) (فتح الباری، ج ۹، ص ۱۶)

سال آغاز سازی قرآن‌ها ۱۵ سال بعد از مرگ محمد بود یعنی سال دوم یا سوم خلافت عثمان . بعد از ۱۵ سال همانطور که دیدیم طبیعتا بسیاری از گفته های محمد مورد بحث و جدل مسلمانان بود . اما همانطور که دیدیم با آنکه عثمان تمام تلاش خود را برای یکسان سازی قران به خرج داد و آیات بسیاری را از آن کم و یا به آن افزود ولی قرآن هایی که او تهیه کرد باز هم با هم اختلاف داشتند به طبری که بعدها باز هم این اختلافات (منتها نه به شدت قبل بین مسلمانان وجود داشت بطور مثال برخی از مردم شام می‌گفتند (مصحف ما و مصحف بصره صحیح‌تر از مصحف کوفه است) (مصاحف سجستانی، ص ۳۵) و اختلاف بین قرآن‌ها عثمانی بعدها خود را بیشتر و بیشتر نشان می داد (مصاحف سجستانی، ۳۹ الی ۴۹)

بعد از آنکه قرآن‌ها حاضر گردید دیدیم که آنها را به مرکز مهم ارسال داشتند و حتی همرا آن قاریانی هم فرستادند . قرآن هایی که به مرکز مختلف اسلامی فرستاده شد برای ان مرکز حکم مرجع را داشت و از روی آنها قرآن‌های دیگری نوشته می شد و به سایر نقاط آن مرکز ارسال می گردید . اگر در یک منطقه بین قرآن‌ها اختلافی بوجود می آمد قرآن مرکز حکم مرجع را داشت و اما مشکل از آنجا شروع شد که بین قرآن‌های مرکز اصلی هم اختلاف بود.

اما بعدها برای این اختلاف چاره ای اندیشیده شد و قرآن مدینه را بعنوان قران مرجع در نظر گرفتند و به آن لقب ام یا امام دادند و هر گاه اختلافی بین قرآهای مرکز اصلی دیده می شد و کار به جاهای باریک کشیده می شد به قرآن مدینه مراجعه می کردند و اختلاف را حل می کردند البته همه این تلاش برای رفع اختلاف در واقع برای حفظ حکومت خود حاکمان وقت بود و نه از سر دلسوزی برای قرآن .

عثمان قانونی بسیار جدی وضع کرد و آن این بود که داشتن و خواندن هر قرآن دیگری غیر از قرآن عثمانی ممنوع شده و کسانی که از این دستور سر پیچی می کردند به سختی مجازات می شدند. تمامی این قرآن‌ها به خط کوفی بود که فاقد اعراب گذاری و نقطه بود که بعدها به رسم الخط عربی تغییر داده شد که باز هم موجب اختلافات زیادی در بین قرآن‌های رسمی آن زمان گردید البته هنوز هم برخی قرآن‌های به خط کوفی در موزه های دنیا و مکانهای مقدس مسلمانان وجود دارد که با

قرآنهاى امروزی تفاوت هايی دارد بطور مثال در خزانه حرم امام حسين قرانى است منسوب به عثمان كه با خط كوفى كهن نوشته شده است.

با توجه به خالى بودن حروف آن از علايم و حجم بسيار بزرگ آن، با مصحف مدینه و يا مصحف شام هم آهنگ و همانند است. به خصوص كه كلمه «يرتد» از سوره مائده (۵) را به صورت «يرتدد» ضبط کرده است. به احتمال قوی اين قرآن، از يکي از قرآن های عثمانی استنساخ شده و رو نوشتی از يکي از آن هاست.

مشخصات قرآن عثمانی:

حروف قرآنهاى عثمانی خالی از نقطه و علايمي بوده است كه اعراب كلمات را نشان می دهد. اين قرآنهاها به احزاب و اعشار و اخماس، تقسيم بندى نشده بود و مملو از غلظهای املايی و تناقض هايی در رسم الخط بوده است. كه علت آن، ابتدایی بودن خط عرب در آن زمان و فرهنگ بدوی آنها بوده است.

مشخصات کلی مصحف ها به شرح ذیل است :

۱- ترتيب :

با توجه به اينكه ابی ابن كعب سرپرستی كمیته نگارش قرآن را عهده دار بود قرآن عثمانی از نظر ترتيب با قرآن ابی كعب شباهت بسياری داشت تنها در مواردی اندك با آن ها مطابقت نداشت، از جمله اين كه در مصحف های صحابه، سوره يونس در زمره هفت سوره بزرگ به شمار می آمد و هفتمين يا هشتمين اين سوره ها بود.

اما عثمان، سوره انفال و سوره برانت را به عنوان يك سوره، در مرتبه هفتم از سوره های بلند (طوال) قرار داد و سوره يونس را در شمار سوره های منين در آورد و محل آن را تغيير داد. ابن عباس به اين عمل عثمان اعتراض كرد و گفت: «به چه علت سوره انفال را كه از سوره های مثنی است و سوره برانت را كه از سوره های منين است، يك سوره به حساب آورده و «بسم الله الرحمن الرحيم» را از اول سوره برانت حذف کرده ايد و در شمار سوره های بزرگ قرار داده ايد؟»

عثمان در پاسخ گفت: «سوره هايی بر پيامبر صلى الله عليه و آله نازل می شد و پس از نزول آن ها، آیاتی نازل می گردید. پيامبر كاتبان وحی را احضار می كرد و به آنان می فرمود: اين آيه ها را در فلان محل از فلان سوره بنويسيد. سوره انفال از سوره هايی است كه در اوایل هجرت در مدینه نازل شد و سوره برانت از نظر نزول، از آخرين سوره هاست.

ولی مضمون اين دو سوره با يك ديگر شبیه است و من گمان می كردم اين دو سوره، يکي است. پيامبر صلى الله عليه و آله نیز در گذشت و بيان نكرد كه برانت دنباله سوره انفال است. از اين جهت من آن دو را به هم پيوستم و «بسم الله الرحمن الرحيم» را بين آن دو نوشتم و آن را در شمار هفت سوره بزرگ قرار دادم.

۲- نقطه و علامت :

مصحف های عثمانی به مقتضای شیوه نگارش كه در آن دوره میان مردم عرب رایج بود از هر نشانه و علامتی كه حروف نقطه دار و بی نقطه را مشخص كند، خالی بود. و لذا بين ب و ت و يا و ثا تفاوتی نبود. و نیز ج و ح و خ از يك ديگر تشخيص داده نمی شدند. هم چنین حرکت و اعراب كلمات، به وسیله فتحه، كسره، ضمه و تئوين نشان داده نمی شد.

خواننده خود بايد به هنگام قرائت با توجه به غلم خود، آن ها را از يك ديگر تمیز می داد، و وزن كلمه و چگونگی اعراب آن را شخصا می شناخت.

از اين رو در صدر اول، قرائت قرآن فقط به سماع و نقل موكول بود و جز از طريق شنيدن، قرائت قرآن تقريباً ممتنع بود. مثلاً بين كلمه های «تبلو»، «نبلو»، «نتلو»، «تتلو» و «يتلو» هيچ فرقی وجود نداشت. هم چنین كلمه «يعلمه» از «تعلمه»، «نعلمه» و «بعلمه» تشخيص داده نمی شد. از اين رو چه بسا آيه لتكون لمن خلقك آيه به صورت «لمن خلقك» خوانده می شد.

ذیلا نمونه هايی از قرآنهاى مختلف كه بر اثر خالی بودن مصحف ها از نقطه رخ داده است، آورده می شود :

سوره بقره، آيه ۲۵۹: «ننشزها»، «ننشرها»، «تنشرها»

سوره آل عمران، آيه ۴۸: «يعلمه»، «تعلمه»

سوره يونس، آيه ۳۰: «تبلوا»، «تتلوا»

سوره يونس، آيه ۹۲: «ننجيك»، «ننحيك»

سوره عنکبوت، آیه ۵۸: «لنبوئنهم»، «لنثوینهم»، «لنبوینهم»
سوره سبأ، آیه ۱۷: «نجازی»، «یجازی»
سوره حجرات، آیه ۶: «فتبینوا»، «فتثبنوا»

در هر صورت خالی بودن قرآنها عثمانی از علایم و نشانه‌ها علت عمده پیدایش اختلاف قرآنها در زمان‌های بعد بود، زیرا مردم به شنیدن و حفظ کردن قرآن اتکا داشتند و طبیعتاً هر موضوعی که متکی بر ذهن باشد در آن احتمال خطا وجود دارد.

۳- ناهنجاری نوشتاری:

اما رسم الخط قرآنها عثمانی، در مقایسه با رسم الخط عمومی و متداول، دارای ناهنجاری‌های املایی فراوان و تناقض‌های بسیار در نحوه نوشتن کلمات می‌باشد.

علت این امر، عدم آشنایی عرب به فنون خط و روش‌های کتابت، در آن زمان بوده است. بلکه جز تعداد کمی از آنان نوشتن و کتابت را نمی‌دانستند و خطی را هم که این عده اندک بدان می‌نوشته‌اند، خطی ابتدایی و در حد بسیار پایین و اولیه بوده است.

علاوه بر این کسانی را که عثمان برای کتابت مصحف انتخاب کرده بود، افرادی بودند که به غایت نسبت به شیوه کتابت بی‌اطلاع بودند و هر چند که در آن وقت، خط در مرحله ابتدایی بود، ولی آنان بسیار بد خط بودند. همان گونه که ابن ابی داوود نقل می‌کند:

پس از تکمیل نسخه‌های مصاحف، مصحفی را نزد عثمان بردند، وی پس از دیدن آن گفت: «چه نیکو و زیبا تهیه کرده‌اید. ولی در آن ناهنجاری‌هایی رخ داده که عرب خود می‌توانند آن را به نحو صحیح تلفظ کنند». سپس گفت: «اگر املا کننده از قبیله هذیل و نویسنده از قبیله ثقیف بود، چنین اشتباهاتی در آن پیدا نمی‌شد» (المصاحف- سجستانی ص ۳۳-۳۲)

ثعلبی در تفسیر خود، ذیل آیه ان هذان لساحران (طه ۶۳: ۲۰) طبق می‌گوید: «عثمان گفت: در این مصحف ناهنجاری‌هایی دیده می‌شود که هر عربی به زبان خود آن را صحیح ادا می‌کند. به عثمان گفتند: آیا آن را تغییر نمی‌دهی؟ و به عبارت دیگر آیا تصحیح نمی‌کنی؟ گفت: لزومی ندارد، نه حلالی راحرام می‌کند و نه حرامی را حلال.»

نمونه‌هایی از مهم‌ترین اشتباهات رسم الخط موجود در قرآن:

سوره / آیه / آیه / املاء صحیح
بقره/ ۱۶۴ / «و اختلف الليل و النهار» / و اختلاف الليل و النهار»
مانده / ۱۰۹ / علم الغیوب / علام
انعام/ ۵ / «ياتيهم انبوا» / «انباء»
انعام/ ۲۶ / و ينون عنه» / «يناون عنه»
انعام/ ۵۲ / «بالغداة» / «بالغداة» است و «و» بدون هیچ علت شناخته شده‌ای زاید است.
انعام / ۹۴ / «فيكم شركوا» / «شركاء»
هود/ ۸۷ / «ما نشوا» / «ما نشاء»
یوسف / ۸۷ / «انه لا يابنس» / «لا يياس»
براهیم/ ۹ / «الم ياتكم نبوا» / «نبا»
ابراهیم/ ۲۱ / «فقال الضعفا» / «الضعفاء»
کهف/ ۲۳ / «و لا تقولن لشيء» / «لشيء»
کهف/ ۷۷ / «لو شئت لتخذت» / «لاتخذت»
طه/ ۹۴ / «قال يبنوم» / «يا ابن ام»
نمل/ ۲۱ / «او لا ادبحنه» / «لاذبحنه» است و الف بدون هیچ علت معقولی اضافه شده است.
نمل/ ۲۹ / «يا ايها الملوا» / «الملا»
روم/ ۱۳ / «شفعوا» / «شفعاء»
صافات/ ۱۰۶ / «لهو البلو المبين» / «البلاء»
ص/ ۱۳ / «و اصحاب لنيكة» / «الايكة»
زمر/ ۶۹ / «و جايء بالنبيين» / «وجيء»
غافر/ ۵۰ / «و ما دعوا الكافرين» / «و ما دعاء»

هر گاه در نظر بگیریم که مصحف‌های آن روز بدون نقطه و فاقد هر گونه علامت و نشانه بوده است، به خوبی در می‌یابیم که قرانت قرآن از روی قرآنها آن زمان با مشکل روبرو بوده است. مثلاً خواننده قرآن جا می‌دانست الذبحنه» زاید است و نباید خوانده شود و یا چگونه بفهمد که یکی از دو «یا» ی «بایید» در آیه و السماء بنی‌ناها بایید زاید می‌باشد، و یا در کلمه «نشوا» بدون هیچ علامتی از کجا خواننده می‌فهمد که و او زاید است و الف ممدوده است و تلفظ همزه بعد از الف است؟

موضوع عجیب‌تر وجود تناقض در رسم الخط قرآنها عثمانی است، به نحوی که کلمه‌ای را در جایی به شکلی نوشته‌اند و همان کلمه را در جای دیگر به شکلی دیگر و این خود نشان می‌دهد که نویسندگان اولیه تا چه حد بی‌سواد بوده‌اند.

و این نشان دهنده فرهنگ اعراب در آن زمان است که باسوادترین و نخبگان آنان چنین بوده‌اند مثلاً در آیه ۲۴۷ سوره بقره کلمه «بسطه» با سین و در آیه ۶۹ از سوره اعراف با صاد «بصطه» نوشته شده است.

و نیز کلمه «ببسطه» در آیه ۲۶ سوره رعد با سین و در آیه ۲۴۵ بقره با صاد ضبط گردیده است. از این قبیل تناقضات در قرآنها عثمانی زیاد وجود دارد.

نمونه‌هایی از این تناقضات که نشانه بی‌سواد نخبگان عرب در آن زمان می‌باشد :

سوره آیه/املاء قدیم/سوره آیه/املاء معاصر
/کھف / ۷۷ / لو شئت لتخذت / اسراء / ۷۳ / اذا لاتخذوك
/شعراء / ۱۷۶ / اصحاب لئیکة ص / ۱۳ / حجر / ۷۸ و ق / ۱۴ / اصحاب الايكة
/ابراهيم / ۲۱ / فقال الضعفوا / توبه / ۹۱ / لیس علی الضعفاء
/یونس / ۴۹ / فلا یستخرون ساعة / اعراف / ۳۴ / لا یستخرون ساعة
/غافر / ۵۰ / و مادعوا الکافرین / رعد / ۱۴ / و مادعاء الکافرین
/حج / ۱۰ / لیس بظلم للعبید / آل عمران / ۱۸۲ / لیس بظلام للعبید
/فرقان / ۹ / ضربوا لك الامثال / اسراء / ۴۸ / ضربوا لك الامثال
/قمر / ۶ / یوم یدع الداع / بقره / ۲۲۱ / و الله یدعوا الی الجنة
/بقره / ۲۸ / فاحیکم ثم یمیتکم / حج / ۶۶ / احیاکم ثم یمیتکم
/قریش / ۲ / ای لفهم رحلة / قریش / ۱ / لایلف قریش
/طه / ۹۴ / قال یبنوم / اعراف / ۱۵۰ / قال ابن ام
/هود / ۸۷ / فی اموالنا ما نشوا / حج / ۵ / فی الارحام ما نشاء
/ابراهيم / ۳۴ / و ان تعدوا نعمت الله / نحل / ۱۸ / و ان تعدوا نعمة الله
/فاطر / ۴۳ / فلن تجد لسنة الله / فتح / ۲۳ / و لن تجد لسنة الله
/فاطر / ۴۰ / علی بینت منه / محممة / ۱۴ / علی بینة من ربه
/یوسف / ۲۵ / لدا الباب / غافر / ۱۸ / لدى الحناجر
/الحاقه / ۱۱ / طغا الماء / النازعات / ۱۷ / انه طغی
/کھف / ۲۳ / و لا تقولن لشیء / کھف / ۴۵ / و کان الله علی کل شیء
/مؤمنون / ۲۴ / فقال الملوا / مؤمنون / ۳۳ / و قال الملا
/الرحمان / ۳۱ / ایه الثقلان / یس / ۵۹ / ایها المجرمون

خواننده عزیز می‌بیند که در مورد قرآن چه اوضاع اسف‌باری وجود داشته و در تاریخ این کتاب چقدر دستخوش تغییر شده است و عجیب آنکه مسلمانان با وقاحت تمام مدعی محفوظ بودن قرآن از هر گونه تحریفی می‌باشند و نکته ای که شاید برایتان جالب باشد اینکه هم اکنون نیز بین قرآنها مختلف عربی اختلافاتی وجود دارد که آنها را در قسمت‌های بعدی بررسی خواهیم کرد

توضیح:

(۱) همانطور که قبلاً گفتیم در این وبلاگ بطور تخصصی در مورد قرآن می‌نویسم. هدف من بودن یک مرجع در مورد واقعیات کتابی است که قرن‌ها به گوش ما می‌خوانند از هر گونه تحریفی به دور بوده است.

(۲) استفاده از مندرجات این وبلاگ با ذکر ماخذ یا بدون آن کاملاً آزاد است چون همه ما باید هدفمان روشن‌گری باشد و بس.

(۳) اگر مطالب این وبلاگ کمی از حالت عامیانه در آمده بخاطر تخصصی شدن آن است

۴) برای اینکه خود را از این اتهام که منابع من درست نیست خارج کنم از این پس بعد از هر ادعا منبع آن را هم می نویسم .

۵) در وبلاگ [از اسطوره تا واقعیت](#) مطلب خواندنی در موردسوره یوسف از خانم [نادره افشار](#) وجود دارد که خواندن آن را توصیه می کنم من هم مقالهای در باره همین سوره دارم که برای گردانندگان این وبلاگ خواهم فرستاد که اگر مناسب بدانند در آن قرار خواهند داد .

درفش کاویانی



<https://derafsh-kaviyani.com/>
<https://the-derafsh-kaviyani.com/>

